



مرکزی

استان مرکزی در مرکز ایران با مساحتی حدود ۲۹ هزار و ۵۳۰ کیلومتر مربع، به طور تقریبی ۸۲،۱ درصد واقع شده است. این استان از شمال به استان‌های تهران، البرز و قزوین، از غرب به استان همدان، از جنوب به استان‌های لرستان و اصفهان و از شرق به استان‌های تهران، قم و اصفهان محدود است. مرکز استان مرکزی، شهر اراک است. شهرهای مهم آن عبارتند از: آستانه، آشتیان، تفرش، خمین، دلیجان، ساوه، شازند، فراهان، کمیجان، زرنديه، خنداب و محلات.

فهرست وب سایت ها و خدمات الکترونیکی

موقعیت جغرافیایی

استان مرکزی، بخشی از فلات مرکزی ایران است که در همسایگی کویر مرکزی و زاویه چین خورده رشته کوه البرز و زاگرس واقع شده است. این استان؛ شامل بخشی از چاله های داخلی است که همزمان با بالا آمدن ارتفاعات فلات ایران در دوران چهارم زمین شناسی یعنی کواترنری، بوجود آمده است. ناهمواری های استان مرکزی به دو صورت کوهستانی و سرزمین های هموار یا دشت ها دیده می شود. - کوهستان ها: کوه های استان تحت تاثیر نیروهای کوه زایی، در دوره ترشیاری شکل گرفته اند و در جهت شمال غربی جنوب شرقی کشیده شده اند. بیشتر کوه های استان قسمتی از کوهستان های مرکزی ایران هستند و بخش کمی از آن، در جنوب غربی، پیش کوه های زاگرس را تشکیل می دهند. مرتفع ترین قله استان، قله شهباز در رشته کوه راسوند، با ارتفاع ۳,۳۸۸ متر، در غرب اراک و پست ترین منطقه را دشت مسیله در جنوب ساوه با ارتفاع ۹۵۰ متر از سطح دریا تشکیل می دهد. به طور کلی؛ مناطق کوهستانی این استان بیشتر در شهرستان های سربند یا شازند، اراک، محلات و تفرش قرار دارند. کوه های ناحیه کوهستانی، از دو رشته تشکیل شده است. رشته اصلی از الوند جدا شده و به صورت دیواره های موازی، گاهی فشرده و گاهی گسترده از همدان تا راهگرد با جهت شمال غربی به جنوب و شمال شرقی ادامه دارد. این ارتفاعات در سربند و شازند راسوند و در اراک سپیدخانی نام دارند. همچنین؛ رشته کوه های راسوند با امتداد در جهت جنوب شرقی به غرب در خمین به کوه های الوندلکان می پیوندند و سپس به ارتفاعات تخته کوه اردل و جاسب پیوسته و پس از قطع شدن به وسیله دره قمرود به ارتفاعات کهک قم متصل می شود. رشته دوم از کوه های ناحیه کوهستانی، در چهل کیلومتری جنوب غربی شهر اراک از کوه های راسوند جدا شده و به صورت دو رشته موازی از جنوب به شمال امتداد یافته و دره معروف «چرا» را به وجود می آورد. جهت شمالی این

کوهستان پس از پیوستن به ارتفاعات وفس، تفرش، آشتیان و خلجستان، به سوی ساوه امتداد می یابد. کوه های عمدۀ منطقه تفرش عبارتند از: کوه کوجه «کجه»، قله بندیی، قله گندم کوه و کوه کلاهک. همچنین علاوه بر این کوه ها در شمال شرق شهرستان اراک رشته کوه های هفتاد قله قرار دارد که شهرستان محلات در شرق آن واقع شده و این کوه ها به رشته جبال راهگرد می پیوندند.

- سرزمین های هموار: از عوامل مهم در تشکیل این بخش، می توان به انتقال رسوب های نواحی مرتفع به سرزمین های هموار در دوره کواترنری، بر اثر بارش اشاره کرد که به تدریج باعث تشکیل دشت های حاصلخیز در منطقه شده است.

استان مرکزی به علت داشتن کوه های مرتفع، مجاورت با حاشیه مرکزی ایران، همجواری با بخشی از حوض سلطان، کویر میقان و حوزه آبریز دریاچه نمک و همچنین قرار گرفتن در محل تلاقی دو رشته کوه البرز و زاگرس، دارای آب و هوایی متنوع است. همچنین؛ عوامل و شرایط اقلیمی دیگری که منطقه را تحت تاثیر قرار می دهد عبارتند از: جهت و جریان وزش بادهای غربی - مدیترانه ای و اقیانوس اطلس، توده های هوای فشار زیاد اقیانوس هند و جریانهای سرد آسیای مرکزی. مهمترین نوع آب و هوای استان عبارتند از: آب و هوای نیمه بیابانی در مناطقی چون؛ ساوه و زرنديه، آب و هوای معتدل کوهستانی همراه با زمستان سرد و تابستان معتدل، در شهرستان هایی مانند؛ اراک، خمین، تفرش و محلات. آب و هوای سرد کوهستانی با زمستانی سرد و برفی و تابستانی خنک در محدوده های جغرافیایی آستانه و سازند.

مهم ترین رودخانه های استان عبارتند از: رودخانه قره چای، قم رود یا انار بار، رود قهره کهرئز یا کرهرود و رود شهراب. رودخانه های دائمی و فصلی که از ارتفاعات استان و خارج از استان سرچشمه می گیرند به طور عمدۀ به دو حوزه آبریز قم یعنی دریاچه نمک و کویر میقان می ریزند.

پیشینه تاریخی

آثار بدست آمده از دروه عیلامی و ماقبل تاریخ در مناطق باستانی «زلف آباد تفرش» و «تپه چلیپی ساروق اراک»، نشان از سکونت اقوام عیلامی در منطقه استان مرکزی است. همزمان با انقراض دولت عیلامی، اقوام آریایی از نواحی جنوبی روسیه و اروپا وارد فلات ایران شده و ایران را به عنوان محل سکونت خود انتخاب کردند. با استناد به مدارک تاریخی، مادها برای حفظ قدرت خود در مقابل حمله آشوری ها از دیاکو - یکی از روسای قبایل ماد سفلی - حمایت کردند و دیاکو توانست با متحد کردن مادها، در سال ۷۳۴ ق. م، تمام شهرک های ماد سفلی یعنی استان مرکزی را مطیع ساخته و اولین امپراطوری ایران را تاسیس کند. سه ایالت اصلی مادها در به قدرت رسیدن دیاکو برای سرنگونی آشوریان عبارت بودند از: بیت کاری، مادای و پاساردا معروف به ماد سفلی

در محدوده شهرستان اراک امروزی. همچنین قلمرو اولیه مادها شامل منطقه وسیعی از حوزه شازند، خنداب، فراهان، وفس تا آشتیان، تفرش و قسمت هایی از ساوه می شد. مادها که توانسته بودند به مدت ۱۷۸ سال بر ایران حکومت کنند بالاخره در پی بروز نارضایتی های عمومی با غلبه کوروش بر اژدهاک، آخرین پادشاه ماد سرانجام در سال ۵۵۰ ق. م، منقرض شد و دولت هخامنش یان با پادشاهی کوروش تاسیس گردید. در دوره حکومت این خاندان ایران به ۲۰ ساتراپ یا ایالات تقسیم شد که ماد سفلی یعنی از ری تا همدان و همچنین استان مرکزی در محدوده ساتراپ قرار گرفت و این استان، بخشی از ساتراپ دهم بود.

با حمله اسکندر مقدونی در سال ۳۳۱ ق. م، حکومت هخامنشیان از هم پاشید و سراسر قلمرو هخامنشیان به دست اسکندر مقدونی افتاد. در پی مرگ اسکندر، یکپارچگی در متصرفات وی از بین رفت و «سلوکوس» یکی از سرداران اسکندر، قدرت را در ایران به دست گرفت. به نوشته کریستن سن در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» ماد سفلی در دوره حکومت اسکندر در اختیار یکی از سرداران اسکندر مقدونی به نام «آتروپاتن» بود. سلوکیان با کمک اشراف ایرانی و سرداران مقدونی حدود ۸۰ سال بر ایران حکومت کردند. در سال ۲۴۸ ق. م، «اشک اول»، پهلوان ایرانی از قبیله پارت ها علیه سلطنت سلوکیان قیام کرد و این قیام که یک صد سال به طول انجامید، سرانجام در سال ۱۴۰ ق. م، با شکست حکومت «انتیوخوس سوم» به دست «تیرداد» به پایان رسید و سلوکی ها به غرب رود فرات عقب نشینی کردند. در این زمان استان مرکزی، جزو سرزمین های ماد بزرگ محسوب می شد. یکی از بزرگ ترین مشکل حکومت اشکانیان، وجود حکومت های مستقل ایالت هایی چون پارس، آذربایجان و ارمنستان بود که بعد از حکومت سلوکیان حاضر به اطاعت از پادشاهان اشکانی نبودند. به همین منظور اشکانی ها برای جلب رضایت روسای قبایل ایرانی و گرفتن مالیات از آن ها مجبور به تاسیس «مجلس مهستان» شدند. مجلس مهستان از بزرگان کشور، موبدان و شاهزادگان قبایل تشکیل می شد و برای مسایل مهم کشور تصمیم گیری می کردند.

با براندازی حکومت اشکانیان در سال ۲۲۶ میلادی، توسط اردشیر بابکان، دولت ساسانی تاسیس شد. ساسان از خاندان های قدیمی پارس بود که ریاست «معبد آناهیتا» را به عهد داشت. سرزمین مرکزی در دوره ساسانیان، در «کوست خوریزان» یعنی «جایی که خورشید» از آن جا می رود، قرار داشت. از آثار به جا مانده در این دوره می توان به طاق بستان در کرمانشاه و نقش برجسته های تنگ چوگان در استان فارس و آتشکده آتش کوه در استان مرکزی اشاره نمود.

اعراب مسلمان، به فرماندهی عمر در آخرین جنگ منظم و سازمان یافته با سپاه ساسانی در منطقه نهاوند، بین سالهای ۱۹ تا ۲۱ هجری توانستند منطقه جبال را پس از نبردهای خونین نهاوند به تصرف درآورند. مسلمانان، بعد از فتح ایران منطقه ای که امروزه استان مرکزی نامیده می شود را «جبال» می نامیدند. «جبال» ناحیه کوهستانی پهناوری بود که یونانیان آن را «مدیا» می گفتند. شورش و نبردهای پراکنده در منطقه، این امکان را برای اعراب فراهم نمی کرد که بتوانند به طور کامل بر جبال تسلط داشته باشند، برای همین منظور مجبور به صلح با مردم نهاوند شدند و توانستند با تنظیم معاهده ای، «جبال» را در نهایت با صلح تصرف کنند.

ایرانیان در به قدرت رساندن عباسیان و سرنگونی حکومت بنی امیه نقش بسزایی داشتند. شیعیان ایران و عراق به رهبری «عبدالله نوه جعفر برادر حضرت علی (ع)» و حمایت عبدالرحمن بن مسلم مشهور به ابومسلم خراسانی که از اهالی استان مرکزی بود در سال ۷۴۷ م، توانستند سرزمین های گرگان، ری، خراسان، نهاوند، کوفه و کربلا را تصرف نموده و در شهر کوفه ابوالعباس از خاندان عباسی را خلیفه اعلام کنند.

بنی عباس تا حدود سال ۳۵۰ هـ ق، بر ایران حکومت کردند. از مهمترین حکومت هایی که بعد از بنی عباس تا استیلای مغول در ایران حکمرانی کردند، می توان به صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان اشاره کرد. این حکومت ها بیش از ۳۵۰ سال یعنی تا حمله مغول به ایران در سال ۶۱۶ هجری بر سرزمین های پارس حکومت راندند. در این دوران از استان مرکزی به نام عراق عجم یاد شده که پایتخت آن شهر اصفهان بوده است.

با به قدرت رسیدن مغول ها در آسیای مرکزی و مغولستان و نیز مجاورت آنان با قلمرو حکومت خوارزمشاه، کم کم تنش هایی بین دو حکومت شکل گرفت و منجر به حملات و جنگهای متعددی بین دو دولت شد که عاقبت باعث حمله چنگیز در سال ۶۱۶ هجری با سپاهی حدود دویست هزار نفر به ایران گردید. خوارزمشاهیان پس از تسلط خود بر خراسان و مازندران به عراق عجم پای گذاشتند در این زمان عباسیان، حکومت خوارزمشاهیان را مورد تایید نمی دانستند و با توجه به اینکه دولت اسماعیلیان الموت هم سراسر مرزهای شمالی عراق عجم و رشته کوه های البرز را در دست داشت به حمایت از اسماعیلیان برآمده تا بتوانند بر سلطان محمد خوارزمشاه پیروز شوند. اسماعیلیان که در انزوای سیاسی و مذهبی به سر می بردند به رهبری جلال الدین حسن اسماعیلی، وقت را غنیمت دیده و به خلافت عباسی اظهار دوستی کردند و با آنان بیعت نمودند. سپس اسماعیلیان، به مذهب اهل سنت « گرایش یافته و لقب نامسلمان به خود گرفتند. شورش اتابکان در فارس و آذربایجان هم مشکلات جدیدی را برای حکومت خوارزمشاهیان به وجود آورده بود. حمله وحشتناک مغول به ایران شدت گرفته بود و آنان توانسته بودند سرزمین های شمالی ایران را تصرف نمایند. سلطان محمد به منظور نجات جان خود به عراق عجم عقب نشینی کرده بود. مغول ها به منظور دستگیری وی تمامی سرزمین عراق عجم را تصرف و غارت کردند. هرج و مرج تمامی منطقه را فرا گرفته بود، فرقه اسماعیلیه توانسته بود طرفداران بسیاری را در عراق عجم به گرد خود جمع کند.

مغول ها، بعد از دو سال، برای بار دوم، در سال ۶۱۹ هجری برای به اطاعت درآوردن کامل منطقه، به عراق عجم حمله کردند و پس از قتل و غارت فراوان به خراسان بازگشتند. این آخرین حمله مغول در زمان چنگیز خان به ایران بود. مغولان بعد از این حمله راه بازگشت به سرزمینشان را در پیش گرفتند.

در سال ۶۲۱ هجری، سلطان جلال الدین خوارزمشاه از هند به ایران بازگشت و توانست در مدت کمی اکثر شهرهای ایران را به تصرف و مطیع خود درآورد و حکومت اسماعیلیه در موت را به اطاعت از خود مجبور کند. او سرداران منصوب شده از سوی چنگیز را برکنار کرد و توانست مغول ها را از عراق عجم بیرون کند. اقدامات جلال الدین باعث خشم حاکمان مغول شده بود. آنان برای استیلای مجدد بر عراق عجم در سال ۶۲۷ هجری، با نقشه دقیق تری به جنگ جلال الدین آمدند آنان توانستند کاشان، ری، زنجان، آذربایجان و سرزمین های شمالی عراق عجم را تصرف و اصفهان را به محاصره درآورند. در این زمان، ناگهان جلال الدین در منطقه کوهستانی کردستان ناپدید شد و اصفهان سقوط کرد و در پی این سقوط، عراق عجم، فارس و یزد چاره ای جز تسلیم در برابر سپاه مغول را نداشتند. این بار صدمات وارده بر اصفهان و ری به حدی بود که حتی این دو شهر با عمران و آبادی دولت صفویه هم نتوانستند شکوه و عظمت گذشته خود را بازیابند. مغولان گرچه از سال ۶۲۰ هجری بر ایران حاکم شدند ولی نخستین ایلخان آنان هولاگوخان بود که از سال ۶۵۱ هجری به صورت رسمی در ایران استقرار یافت.

بعد از پایان یافتن حکومت ایلخانان در ایران، خاندان مظفریان و تیموریان، تا قدرت گرفتن حکومت صفویه در

سال ۹۰۵ هجری در ایران حکومت را در دست داشتند. شاه اسماعیل صفوی از نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی بود که توانست پایه گذار حکومتی در ایران شود که حدود ۲۵۰ سال به طول انجامید. از مهم ترین پادشاهان این دوره می توان به شاه عباس بزرگ و پسرش اشاره نمود. جنگ های ایران و عثمانی و تصرف نواحی شمال ایران توسط روسیه از حوادث تلخ این دوره است.

نادر شاه افشار در سال ۱۱۴۸ هجری، به طور رسمی با عزل شاه عباس سوم تاج سلطنت را بر سر گذاشت و با توجه به اینکه قلمرو دولت مرکزی ایران در طی حکومت های گذشته کاهش یافته بود، عملاً دست به کشور گشایی زد، فتح بحرین، قندهار و هندوستان از جمله فتوحات اوست. طایفه زندیه که در زمان نادر سرکوب شده بود در سال ۱۱۶۲ هجری با ظهور کریم خان زند قدرت را در کشور به دست گرفت و تا سال ۱۲۰۹ هجری بر ایران حکومت کردند.

حکومت پادشاهان زند مقارن بود با گسترش تجارت دریایی دول از اروپایی و تصرف جزایر و سواحل جنوبی ایران بوسیله دولت های انگلستان و هند. کریم خان زند در سال ۱۱۹۲ هجری، فوت کرد و آقا محمد خان قاجار بعد از سرکوبی مخالفان با حمایت طایفه قاجار در سال ۱۲۰۰ هجری در تهران تاجگذاری نمود. قاجاریه تا سال ۱۳۴۳ به مدت ۱۴۵ سال بر ایران حکومت کردند.

شروع جنگ های ایران و روسیه، ایران و عثمانی و در نهایت تجزیه ایران در این دوره شکل گرفت یکی از مهم ترین تحولات اواخر حکومت قاجاریه اعلام حکومت مشروطه در سال ۱۳۲۴ هجری و تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی ایران است.

در سال ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه ایران را به اشتغال خود آوردند. روسیه طی انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ از ایران خارج شد. بعد از خروج روسیه، انگلیس تقریباً تمامی سرزمین ایران را به اشتغال خود در آورد و توانست حکومت مشروطه را بوسیله عمال خود در ایران ساقط کرده و رضا خان پهلوی را به قدرت برساند.

اقوام و زبان

بر اساس مطالعات باستان شناسی، ساکنین استان مرکزی همانند ساکنین دیگر نقاط ایران از اقوام آریایی تشکیل شده اند. ولی با گذشت زمان و در نتیجه مهاجرت اقوام دیگر؛ از جمله ترک ها و مغول ها به این منطقه، ترکیب نژادی جدیدی در منطقه به وجود آمده است.

بیشتر مردم استان مرکزی به زبان فارسی سخن می گویند. ولی در کنار زبان فارسی، گویش های گوناگونی در مناطق مختلف استان مورد استفاده قرار می گیرد که از آن جمله می توان به: زبان ترکی آذربایجانی و ترکی خلیج در بسیاری از روستاهای اطراف مناطقی مانند اراک، سربند، ساوه، شهرهایی مثل شازند و خنداب، زبان کردی در میان ایل کلهر، زبان راجی در مناطقی از دلیجان، محلات و نراق، زبان تاتی در برخی قسمت ها مانند: شرا، کزاز و سربند و همچنین گویش های لری، لکی و وفسی اشاره کرد. همچنین اقلیت های مذهبی مانند ارامنه و زرتشتیان و تعداد کمی از یهودیان نیز در استان موجود هستند که اکثراً در شهرستان زرننده اقامت دارند و به زبان خویش سخن می گویند.

موقعیت اجتماعی و اقتصادی

اقتصاد استان مرکزی به ترتیب اهمیت، شامل بخش های خدماتی، صنعتی و کشاورزی می شود. این استان از جمله استان های صنعتی کشور محسوب می شود و به همین خاطر می توان گفت؛ وجود صنایع مادر در اراک و کارخانه های تولیدی در شهرستان ساوه باعث شده این استان، به یکی از قطب های صنعتی کشور تبدیل شود.

به طور کلی، صنایع استان مرکزی به دو بخش صنایع ماشینی و صنایع دستی تقسیم می شود. مهم ترین کارخانه های صنعتی استان عبارتند از: ماشین سازی، واگن پارس، آلومینیوم سازی، کابل سازی، کمباین سازی، لاستیک سازی، کارخانه سازنده ماشین آلات راه سازی هپکو، کارخانه های سازنده پروفیل و لوله های آبیاری آلومینیومی، کارخانه های سازنده پایه فلزی انتقال نیرو و آونگان، کارخانه ادوات کشاورزی، کارخانه تولید نورد آلومینیوم، رنگ روناس، پالایشگاه پتروشیمی و نیروگاه آذرآب، استخراج سولفات سدیم دریاچه میقان، ماشین بتون ساز، لبنیات کالبر، کارخانه قندسازی، کارخانه آلومرول، شهرک صنعتی اراک ۱، شهرک صنعتی ایبک آباد اراک ۲، شهرک صنعتی خیرآباد اراک ۳ و شهرک صنعتی کاوه. بنابراین اراک به دلیل داشتن صنایع مادر، تولید ۸۰ درصد تجهیزات انرژی کشور، وجود بزرگ ترین کارخانه تولید کننده آلومینیوم کشور و وجود بزرگ ترین معدن سدیم سولفات کشور، لقب پایتخت صنعتی ایران را به خود اختصاص داده است. علاوه بر فعالیت صنایع ماشینی، اکثر شهرستان های استان مرکزی دارای صنایع مختلف دستی هستند که بیشتر بین عشایر منطقه رواج دارد. عشایری که در محدوده استان زندگی می کنند، بومی منطقه نیستند و اکثر آنها از نواحی دیگر به این منطقه مهاجرت کرده و سکنی گزیده اند. مهم ترین گروه های ایلی استان شامل شاهسون ها، ایلی کله کویی، ایلی میش مس یا مست، ایلی خلج، ایلی راوه و ایلی کرد یا کلهر هستند که به ویژه زنان و دختران انواع صنایع دستی را در آنها تولید می کنند. مهم ترین صنایع دستی استان فرش است که فرش ساروق اراک از شهرتی جهانی برخوردار است. علاوه بر قالی بافی، قالی ساوه و لییان، جاجیم خمین، سفال ساوه و محلات، کارگاه های متعدد صابون سازی در آشتیان و نیز گیوه سنجان و وفس، آینه کاری، گچبری سنتی، سوزن دوزی، رودوزی های سنتی، تفرشی دوزی، درویش دوزی، گوشه دوزی، گیوه بافی و گیوه دوزی، کتیبه نویسی، نگارگری، تذهیب و آینه کاری از جمله صنایع دستی در خور توجه این استان است.

از دیگر رشته های صنایع دستی در استان که قابلیت ها و زمینه های رشد و فعالیت زیادی دارند می توان از طراحی و نقشه کشی فرش، رفوگری، رنگرزی سنتی، جاجیم بافی، هنرهای چوبی شامل: منبت و کنده کاری روی چوب، معرق و محرق، پیکر تراشی، نازک کاری چوب، مشبک، ساخت سازهای سنتی و خراطی، صنایع فلزی شامل: قلم زنی روی مس، مسگری، سفیدگری، چلنگری، علامت سازی.

در بخش کشاورزی و دام پروری، استان مرکزی به علت قرار گرفتن در دامنه رشته کوه های البرز و زاگرس، تنوع اقلیم و شرایط آب و هوایی ناشی از نوسانات ارتفاع ها، میزان بارش باران در فلات مرکزی، جزو یکی از مناطق غنی مرتع در ایران محسوب می شود. علاوه بر این عوامل، عواملی مانند: تراکم چشمه های پرآب دائمی و فصلی، پوشش گیاهی بسیار خوب و گستردگی باغ ها و چمنزارها، داشتن تالاب ها و سراب های بزرگ باعث پرورش انواع دام و طیور و حتی پرورش ماهی در منطقه شده است.

به طور کلی این استان به جهت داشتن زمین های حاصلخیز زراعی و تولید برخی از محصولات کشاورزی و نیز دامپروری از مناطق مهم کشور به شمار می آید و از آن جا که حدود ۵۰ درصد از مردم این استان در روستاها زندگی می کنند، می توان گفت، شغل اصلی مردم این استان، کشاورزی و دام داری است.

از مهم ترین محصولات کشاورزی استان می توان: گندم، جو، حبوبات، آفتابگردان، پنبه، چغندر قند، گوجه فرنگی، پیاز، خربزه، هنداونه، خیار، گیاهان علوفه ای را نام برد
علاوه بر بخش های ذکر شده؛ باید به معادن موجود در استان نیز اشاره کرد به طور کلی، استان مرکزی دارای ۱۱۲ معدن مختلف در منطقه است که بیشترین آن مربوط به مصالح ساختمانی است. از مهم ترین معادن استان مرکزی می توان از: سنگ آهن در شمس آباد اراک، معادن سرب، روی، منگنز، بارتیتین، سنگ تراورتن، گچ و سنگ نمک را می توان یاد کرد

غذاهای محلی

آش جو، آش شیر، آش انار، آش خیار، حلیم

سوغات

سوغات استان مرکزی عبارت است از: انواع قالی، صنایع دستی شامل گلیم، جاجیم، انواع گل های زینتی و تزیینی، انواع تریکوها، ژاکت و بلوز محلات، صابون معروف شازند، انواع فتیر در اراک، انواع محصولات باغی ساوه مانند انار، خربزه، طالبی، پنبه، رب انار، گندم، چغندر، کشمش، باسلق، ترخینه، صابون محلی آشتیان، گوش فیل، کف لمه، جوز قند نراق، حلوا ارده محلات، و عسل خمین

جاذبه های طبیعی گردشگری

آشتیان : روستای ییلاقی آهو

اراک : دریاچه میقان، حاشیه رودخانه شرا، حاشیه رودخانه مهاجران، چشمه آب معدنی چپ قلی، چشمه آب معدنی کیخسرو یا سراب حک، غار سفید خانی، غار انجدان، غار آسیلی، غار هیزج، غار سوله خونزا، غار کل چناس، غار برآفتاب، منطقه ییلاقی سربند

تفرش : دره دیزه، دره بدر، دره فرک، دره ستان، چشمه معدنی گراو، حاشیه رودخانه تفرش یا آب کمر، حاشیه رودخانه قره چای، غار امجک، غار علی خورنده، غار گاو خور، غار نویوهی، غار پلنگ، غار دام دام تلخاب، طبیعت روستای قلعه محی الدین، بیعت روستای خانک، طبیعت روستای جلایر

خمین : باغ های گل خمین، بیشه علی شهر قورچی باشی یعنی منطقه حفاظت شده الوند، پارک جنگلی بوجه، دامنه کوه بوجه، دامنه کوه هفت سواران، دامنه کوه انگشت لیس، دامنه کوه حسن فلک، چشمه چکاب، چشمه سیبک، چشمه سراب رضا آباد، حاشیه رودخانه خمین، قلمستان روستای گوشه محمد مالک، طبیعت دره چکاب، طبیعت دره لته، منطقه حفاظت شده هفتاد قله

دلیجان : دریاچه سد پانزده خرداد، حاشیه رودخانه قمرود، غار چال نخجیر، غار کهک، طبیعت روستای دودهک، طبیعت روستای خورهه

ساوه : آبشار آقچه، آبشار فصلی قیز قلعه، دامنه و صخره های طبیعی تخت رستم، دریاچه دل آب چشمه بابا رجب، چشمه بالقلو، چشمه استاین، چشمه روستای ستق، چشمه قیرخ قیزلو، چشمه امام زاده نوح، چشمه دره ینگه قلعه، حاشیه رودخانه زنبر، غار بابا گرگر، غار شاه پسند، طبیعت روستای ستق، طبیعت دره روستای چناقچی، طبیعت روستای حریقان، طبیعت جلگه روستای کله دشت، طبیعت روستای سامان بخش

شازند : پیست اسکی پاکل، دامنه کوه چال خاتون، جنگل های بلوط، حاشیه رودخانه قره چای، چشمه عمارت، چشمه عباس آباد، چشمه اسکان، چشمه پنجعلی، چشمه بلاغ حک، چشمه دو خواهران، سراب و چشمه سورانه، شکارگاه سربند، شکارگاه چال خاتون، شکارگاه شهباز و کوه سرو، شکارگاه سرسختی و پاکل، غار کیخسرو، غار سوله خونزا، غار هندو در، غار صادق علی، غار کهل، غار مقار، طبیعت دره سماخ لی، طبیعت منطقه راسوند، منطقه آشیانه دارکوب، منطقه حفاظت شده شهرستان شازند

محلات : آب گرم طبیعی محلات، انواع باغ های پرورش گل محلات، پارک سرچشمه محلات، چشمه وزوان، یخچال طبیعی نیم ور در شهر نیم ور، غار آزاد خان، غار سوراخ گاو در خورهه محلات، غار یکه چاه، غار بابا جابر، غار شاه بلبل، غار گدار چشمه، غار سرچشمه، غار کشه ریز، منطقه حفاظت شده هفتاد قله منطقه حفاظت شده موته

جاذبه های تاریخی

آشتیان : آب انبار، آب انبار گرگان، آتشکده فردجان، آتشکده فراهان، امام زاده اسماعیل، امام زاده عبدالله، امام زاده محسن یا امام زاده کوه، امام زاده فاطمه صغری، امام زاده قاسم، امام زاده سیاوش، بازار سنتی و قدیمی، بقعه هفتاد و دوتن، خانه عبدالعظیم، خانه استاد قریب، قلعه علی نقی بیگ، قلعه مستوفی الممالک، موزه نسخ خطی در خانه تاریخی معتمدالایاله، موزه مردم شناسی در خانه تاریخی میرزا هدایت الله وزیر دفتری

اراک : آتشکده برزوی راهگرد، امام زاده ابراهیم، امام زاده حوا خاتون، امام زاده هفتاد و دو تن ساروق، امام زاده شاهزاده حسین، بنای تاریخی پیر مراد آباد، بنای تاریخی کاروانسرا، روستای تاریخی ساروق انجدان، حمام چهار فصل، شهر زیرزمینی ذلف آباد، غار باستانی قلعه جوق، مدرسه سپهداری، مرقد شاهزاده محمد عابد، مجموعه تاریخی بازار اراک

تفرش : آب انبار موزه بلوار، آرامگاه پورفسور حسابی، امام زاده حسین، امام زاده محمد، امام زاده قاسم، امام زاده ابویعلی، امام زاده احمد کوهین، بقعه شاهزاده احمد، بقعه آقا مومن تفرشی تکیه خلچان، تکیه زاغرم، خانه میرفخرایی، خانه ضیایی، قلعه باغکه، قلعه مراد سلطان در بازرجان، قنات خورزنون، گنبد بی بی ستین، مسجد جامع شش ناو، مسجد جامع فم، مقبره میرعلام تفرشی، ویرانه های برج آقا بیک در بازرجان.

خمین : آسیاب آبی، امام زاده حسن در روستای طیب آباد، امام زاده سلیمان و ابوالفتح در روستای دهنو، امام زاده ابوطالب، امام زاده اسماعیل، امام زاده عبدالعلی در روستای ریحان، امام زاده عبدالله در روستای کودرز، امام زاده اهل بن علی، امام زاده خدیجه خاتون در روستای حشمتیه، بازار سرپوشیده، بقعه شاه قلندر، بقعه شاه قریب، بقعه محمد مالک اشتر، سنگ نگاره های تیمره، شبستان مسجد جامع، حسینیه آقاخان، خانه قدیمی حضرت امام خمینی (ره)، قلعه سالار محتشم، قلعه های تدافعی خمین، کاروانسرای شاه عباسی، کبوتر خانه، محراب فضل و یحیی، مسجد جامع، موزه مردم شناسی

دلیجان : آب انبار، امام زاده خورهه، امام زاده اسحاق، امام زاده حمزه، امام زاده محمد، بازار شمس السلطنه در نراق، بقعه شاهزاده ابوالفضل، بقعه شاهزاده سلیمان، بازار نراق، زیارتگاه حضرت معصومه، زیارتگاه بابا پیر، سد زمان سلجوقیان، سنگ نوشته تاریخی خورهه، قلعه گبری، قلعه کیخسرو، قلعه ورکانی ها، کاروانسرای دو دهک،

ساوه : آرامگاه فاطمه بنت شجاع، امام زاده سید اسحاق، امام زاده هارون، امام زاده سید ابو رضا، بازار ساوه، بنای مسجد انقلاب، بقعه اشموئیل نبیپل، بقعه امام زاده سید حمزه، بند شاه عباس، پل عسگرآباد، تاریخی سرخده، تپه مزلقان، تپه شیشه بایر نویران، تپه فخری چال، تپه خسرو نوبران، بیوک تپه اوجان، تپه پستق نوبران، تپه امیرآباد، تپه سلطان نویران، تپه مجیدآباد نوبران، تپه نیگ ارضی نوبران، تپه علیدرزی نوبران، تپه آجان قرقان، تپه گل محمد نوبران، حمام کلبعلی خان، قلعه آردمین، قلعه دختر، کاروانسرای پا سنگان، کاروانسرای عبدالغفار خان باغ شیخ، مسجد سرخ یا انقلاب، مسجد جامع، مناره مسجد جامع، کاروانسرای خشکه رود

شازند : امام زاده ابوالقاسم معروف به باب المراد، امام زاده محمد، امام زاده عبدالله سورانه، امام زاده ابوالحسن، امام زاده هبه اله ابن ابوالقاسم، تپه باستانی گل زرد، تپه باستانی گل تپه، تپه چغا سبز، تپه های تاریخی مالمیر، تپه سرسختی، پل تاریخی دو آب بر روی رودخانه قره چای، حمام حاج ربیع، خانه پیر هادی اشتری، عمارت تاریخی بیات، کلیسای شازند، منطقه تاریخی علی گذر

محلات : آتشکده آتش کوه، امام زاده یحیی، امام زاده فضل اله در محلات، امام زاده اسماعیل، امام زاده موسی
پل قدیمی باقر آباد، سد ساسانی نیم ور، ستون های سنگی شهر باستانی خورهه، حمام قدیمی عرش محلات،
قلعه جمشیدی، قلعه آقاخان، مسجد جامع